

عنوان: امام خمینی و نگارش تاریخ انقلاب اسلامی

پدیدآورنده: معصومی، علی

نشریه: جمهوری اسلامی، 83/10/19

امام خمینی و نگارش تاریخ انقلاب اسلامی

علی معصومی (وزوایی)

دی ماه 1367 هـ. ش (امام خمینی) ره (طی نامه ای به حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی ، بر ضرورت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی تاکید فرمودند و در این زمینه دستوراتی دادند. به همین مناسبت ، ابتدا درباره تاریخ و تاریخ نگاری از دیدگاه امام خمینی مطالب مختصری می آوریم و آن گاه به وضعیت تاریخ نگاری در دوره انقلاب اسلامی نگاهی گذرا می افکنیم .

در نگاه امام خمینی ، تاریخ به حدی اهمیت دارد که معظم له آن را معلم انسان می داند و می فرماید : تاریخ معلم انسان است . (1)

می دانیم که معلم از طریق انتقال آگاهی و آموزش و ... ، متعلمین را به سوی کمال سوق می دهد و معرفت و شناخت آن ها را افزایش می دهد. بنابراین ، تاریخ نیز همین نقش را دارد. تاریخ مثل زنجیر محکمی است که ما را با بنیان ها و هویت گذشته مرتبط می نماید و اگر ملتی این زنجیر را با بی اعتنایی به آن ، قطع کند ، یقیناً در فضای بی هویتی ، به فرهنگ ها و جوامع دیگر متصل می شود و دیگر نامی از آن باقی نمی ماند.

نکته دیگری که امام خمینی (ره) پیوسته درباره تاریخ تکرار فرموده اند ، عبرت گرفتن و درس گرفتن از تاریخ است . امام خمینی می فرماید : تاریخ باید سرمشق ما باشد (2) ... ما باید از تاریخ عبرت بگیریم (3) ... عبرت بگیرید! عبرت بگیرید از این حوادث تاریخ (4) ... تعلیم بگیرید از این حوادثی که در دنیا واقع می شود (5) ... تاریخ یک درس عبرت است (6) و ما باید از تاریخ عبرت ببریم . (7)

کسی که بخواهد در میان منظومه فکری و تعلیماتی امام خمینی ، جایگاه تاریخ را مشخص نماید ، همین جملات کوتاه ، کاملاً گویا است . همچنین ، آن هایی که بخواهند تعالیم امام خمینی را الگوی رفتار سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و ... قرار دهند نیز با توجه به همین جملات ، تکلیف خود را درباره تاریخ و تاریخ نگاری به خوبی درک خواهند کرد و دیگر نیازی نخواهد بود که امام خمینی صریح تر از این ، مسلمانان انقلابی را به مطالعه تاریخ ، پژوهش در تاریخ ، نگارش تاریخ و ... دعوت نماید. با این حال ، به سبب اهمیت مطالعه ، پژوهش و نگارش تاریخ از دیدگاه امام خمینی ، معظم له در مواردی ، گام از دایره نصیحت و پسند و توصیه فراتر نهادند و از نویسندگان متعهد و دلسوزان انقلاب اکیدا خواستند دست به کار شوند و تاریخ انقلاب اسلامی را با دقت و با شرح و تفصیل برای نسل های آینده بنویسند.

از همان ابتدا که مبارزات انقلاب اسلامی آغاز شد ، امام خمینی به نگارش تاریخ انقلاب ، توجه ویژه داشتند؛ زیرا می دانستند که تاریخ نگاران مزدور و منحرف و دست ها و قلم های ناپاک به کار افتاده اند تا سیمای

درخشان انقلاب و مبارزات ملت مسلمان ایران را غیر از آنچه هست، معرفی کنند. مرداد سال 1357 که دور جدید مبارزات ملت مسلمان ایران به تازگی آغاز شده بود، امام خمینی در همان حال که به پیروزی انقلاب و چگونگی استمرار مبارزات مردم می‌اندیشید، به نگارش تاریخ انقلاب اسلامی نیز توجه جدی داشت. به همین دلیل، در بخشی از پیامی که در 5 مرداد 1357 ه. ش به ملت ایران فرستاد، چنین فرمود:

لازم است برای بیداری نسلهای آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی پردازند، و قیامها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستانهای مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسلهای آینده شود، ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را که در پیش چشم همه ما به روشنی اتفاق افتاده است، دنبال می‌کنیم، فرصت طلبان و منفعت‌پیشگانی را می‌بینیم که با قلم و بیان بدون هراس از هرگونه رسوایی، مسائل دینی و نهضت اسلامی را برخلاف واقع جلوه می‌دهند و به حکم مخالفت با اساس نمی‌خواهند واقعیت را تصدیق کنند و قدرت اسلام را نمی‌توانند ببینند، و شکی نیست که این نوشتجات بی‌اساس به اسم تاریخ در نسلهای آینده آثار بسیار ناگواری دارد. از این جهت، روشن شدن مبارزات اصیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه اش تاکنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق می‌افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و علمای متفکر و متعهد بدان پردازند. درست آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسلهای آینده مبهم می‌باشد؛ و تاریخ، روشنگر نسلهای آینده است، و امروز قلمهای مسموم در صدد تحریف واقعیات هستند، باید نویسندگان امین این قلمها را بکشند. (8)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، امام خمینی در این بخش از پیام خود به ملت مسلمان ایران، بر روی چند محور تاکید می‌نماید. اول آن که هدف از نگارش صحیح تاریخ انقلاب اسلامی را این می‌دانند که نسل‌های آینده، بیدار و آگاه شوند و بتوانند بدون هیچ ابهامی به واقعیت‌های نهضت اسلامی پی ببرند؛ و از این رهگذر، سرمشقی برای خود بیابند. مسلماً، آگاهی و بیداری و سرمشق‌یابی درست، زمانی پیش می‌آید که به تعبیر امام خمینی، غلط‌نویسی در تاریخ نباشد و همه چیز و همه حوادث، بدون ابهام بیان شود.

محور دیگری که امام خمینی بر آن تاکید دارند این است که امر تاریخ‌نویسی را نویسندگان، دانشمندان و علمای متفکر و متعهد برعهده بگیرند. تاکید امام خمینی بر این موضوع نیز حکایت از اهمیت تاریخ و اهمیت نگارش تاریخ در منظومه فکری معظم له است. یقیناً آنچه به عنوان تاریخ و کتاب تاریخی، تولید و به بازار فکری و فرهنگی جامعه عرضه می‌شود، زمانی نزد اهل فکر و فرهنگ، مقبول می‌افتد و به عنوان یک اثر تاریخی، ماندگار می‌شود که توسط افراد خبیر و دانشمند و عالمی نگاشته شود که ضمن داشتن دانش، از درجه مطلوب تعهد نیز برخوردار باشد. اگر تاریخ توسط چنین افرادی نوشته نشود، آنچه به بازار خواهد آمد، چیزی غیر از تولیدات و کتب سطحی، مبتذل، شعاری و تبلیغاتی، کم‌عمر و در حد مصرف روز، غیرعمیق و غیرمتقن، نارسا و کم‌مایه، پر از ضعف و سستی در تحلیل و دسته‌بندی و رتبه‌بندی مطالب و موضوعات و... نخواهد بود. بنابراین، چنین تولیداتی شاید از نگاه کمی و آماری فریب‌دهنده باشد و ما با یک فهرست بلندی از کتاب‌های به اصطلاح تاریخی روبه‌رو شویم و از این که به چنین فهرستی دست یافته‌ایم، شادمانی کنیم، ولی باید گفت که چنین تولیداتی نه تنها کم‌اثر و بی‌اثر، و کم‌عمر هستند، بلکه چه

بسیار تاثیر معکوس نیز داشته باشند و فقط عاملی برای مشغولیت عده ای و راهی برای هدر دادن سرمایه ها و... محسوب شوند. نتیجه این که از نظر امام خمینی، جریان تاریخ نگاری مطلوب و موثر، زمانی پدید می آید که اولاً نویسندگان دانشمند در این عرصه مشغول شوند؛ ثانیاً این نویسندگان دانشمند، به سلاح تقوا و تعهد مجهز باشند تا بتوانند آثاری مطلوب و موثر و ماندگار و متقن پدید آورند.

سومین محوری که امام خمینی به آن تاکید می فرمایند این است که تاریخ انقلاب اسلامی، واقعاً ملی و مردمی و عمومی باشد؛ درست مثل خود انقلاب که بار اساسی آن بر دوش ملت مسلمان ایران و عموم مردم بود. توضیح این که چون بسیاری از کتب تاریخی دوره معاصر و قرون گذشته را ورق می زنیم، مشاهده می کنیم که محور آن کتاب ها، یا اعمال امرا و شاهان و فرمانروایان است؛ و یا بر محور تشریح فعالیت احزاب و گروه ها و قشرها و جریان های خاص بنا گردیده است. امام خمینی، نویسندگان متعهد تاریخ انقلاب اسلامی را از این نوع تاریخ نگاری برحذر می دارند و سفارش می فرمایند که نویسندگان تاریخ انقلاب اسلامی به مبارزات و رفتار عموم مردم مسلمان ایران توجه کنند و قیام و تظاهرات و رفتار عموم مسلمین ایران در شهرهای مختلف و انگیزه ها و اهداف آن ها را کاملاً در نگارش تاریخ مدنظر قرار دهند.

سرانجام آخرین محور مهم در سخنان امام خمینی این است که بر عموم کسانی که به انقلاب اسلامی دل بسته اند، به ویژه نویسندگان امین و متعهد واجب است هوشیارانه مراقب باشند تا نویسندگان غیرمتعهد، منفعت طلبان و فرصت طلبان، تحریف گران و آن هایی که با اساس دین مخالفند و نمی خواهند واقعیت قدرت اسلام را تصدیق کنند، زمام تاریخ نگاری دوره انقلاب اسلامی را به دست نگیرند؛ و نویسندگان متعهد و دانشمند با کار بسیار گسترده و متقن خود، چنان کنند که قلم منحرفان بشکند و آثار آن ها جایگاه و رونقی در جامعه نداشته باشد.

امام خمینی در نامه ای هم که در دی ماه 1367 به آقای سید حمید روحانی درباره ضرورت تدوین دقیق تاریخ انقلاب اسلامی نوشتند، بار دیگر بر ویژگی هایی که تاریخ انقلاب اسلامی باید داشته باشد، تاکید فرمودند. دقت در ثبت حماسه های مردم در طول انقلاب اسلامی، هدف قیام و انقلاب مردم، پرهیز از غرب گرایی و شرق گرایی در تدوین تاریخ انقلاب، نگارش تاریخ انقلاب از زبان توده های مردم و تکیه بر تاریخ مردمی و ملی و اسلامی، نهادن پایه های تاریخ انقلاب اسلامی بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت ها و ابرقدرت ها و... برخی از ویژگی هایی است که امام خمینی در این نامه ذکر کرده اند. امام خمینی در بخشی از نامه مذکور نوشته اند:

امیدوارم بتوانید با دقت، تاریخ حماسه آفرین و پرحادثه انقلاب اسلامی بی نظیر مردم قهرمان ایران را بدان گونه که هست ثبت نمایید.

شما به عنوان یک مورخ باید توجه داشته باشید که عهده دار چه کار عظیمی شده اید. اکثر مورخین، تاریخ را آنگونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته اند می نویسند، نه آنگونه که اتفاق افتاده است. از اول می دانند که کتابشان بنا است به چه نتیجه ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می رسند.

از شما می خواهم هر چه می توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چرا که همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می کنند. امروز همچون همیشه

تاریخ انقلابها ، عده ای به نوشتن تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده ای خاص ، له و یا علیه عده ای دیگر و یا واقعه ای در خور بحث ، اگر شما می توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده های مردم رنج دیده کنید ، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده اید ، باید پایه های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرتها و ابرقدرتها باشد.

شما باید نشان دهید که چگونه مردم ، علیه ظلم و بیداد ، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی ، اسلام سرمایه داری ، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند.

شما باید نشان دهید که در جمود حوزه های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و با حرکت انگلیسی می کردند ، تنی چند از عالمان دین باور دست در دست مردم کوچه و بازار ، مردم فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند.

شما باید به روشنی ترسیم کنید که در سال ، 41 سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ آباد تحجر و تقدس مآبی چه ظلمها بر عده ای روحانی پاکبخته رفت ، چه ناله های دردمندانه کردند ، چه خون دلها خوردند ، متهم به جاسوسی و بی دینی شدند ولی با توکل بر خدای بزرگ کمر همت را بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به توفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر ، علم و خرافه ، روشنفکری و تحجرگرایی ، سرافراز ولی غرقه به خون یاران و رفیقان خویش - پیروز شدند . (9)

اکنون که با دیدگاه امام خمینی درباره تاریخ و تاریخ نگاری (به ویژه نگارش تاریخ انقلاب اسلامی) تا حدودی آشنا شدیم ، سخن کوتاهی نیز درباره بخش دوم مقاله حاضر (وضعیت تاریخ نگاری در دوره انقلاب اسلامی) می آوریم .

واقعیت این است که وضعیت تاریخ نگاری در دوره انقلاب اسلامی ، چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی ، به هیچ وجه قابل مقایسه با دوره های قبل نیست ، زیرا در دوره انقلاب اسلامی ، تاریخ نگاری در ابعاد مختلف و همچنین از لحاظ اسلوب و شیوه های نگارش تاریخ ، رشد بسیار پرشتایی داشته است . این رشد نیز قطعاً متأثر از کل انقلاب و دگرگونی های حاصل از آن ، و همچنین متأثر از رهنمودهای امام خمینی و بزرگان انقلاب بوده است .

در دوره انقلاب اسلامی ، دریچه حوزه هایی از تاریخ (به ویژه دریچه هایی در حوزه تاریخ معاصر) که در دوره های قبل (به ویژه در دوره پهلوی) به روی پژوهشگران تاریخ و تاریخ نگاران ، کاملاً بسته ، و یا نیمه باز بود و ورود به این حوزه ها با موانع و شروط و یا با مصایب فراوان همراه بود ، کاملاً باز گردید و مورخان و پژوهشگران توانستند در هر حوزه ای که تمایل دارند به پژوهش بپردازند و بسیاری از زوایای پنهان تاریخ معاصر را اولین بار برای مردم روشن کنند و شناخت واقعی را درباره تاریخ معاصر به وجود آورند .

در دوره قبل از انقلاب اسلامی ، علاوه بر این که دریچه برخی حوزه ها و وقایع مهم تاریخ معاصر (و همچنین برخی مقاطع دیگر تاریخ) به روی پژوهشگران و تاریخ نگاران بسته بود ، در برخی حوزه ها نیز واقعیت های تاریخ ، کاملاً وارونه بیان می شد و تاریخ نگاران درباری و استعماری سعی می کردند در بسیاری از حوزه ها

، تحریف و قلب واقعیت نمایند. مثلاً چهره ها و جریان ها و وقایع اصیل و هدف دار و دینی و میهنی را منفی و مذموم نشان می دادند و برعکس ، چهره ها و جریان ها و وقایع استعماری و ضد دینی و ضد میهنی و ضد مردمی را اصیل و مثبت ترسیم می نمودند تاریخ نگاری دوره انقلاب اسلامی ، این وضعیت را بر هم زد و در بسیاری عرصه ها به روشنگری پرداخت و نمایی واقعی از جریان ها و چهره ها و وقایع اصیل و غیر اصیل ارائه داد.

در دوره انقلاب اسلامی ، گذشته از آن که افراد زیادی مستقلاً در حوزه تاریخ نگاری مشغول شدند و کتاب های بسیاری به بازار عرضه کردند ، موسسات متعددی نیز به منظور فعالیت در حوزه تاریخ و تولید کتاب های تاریخی به وجود آمدند. این موسسات نیز تاکنون کارهای قابل توجهی انجام داده اند. علاوه بر این ، در دوره انقلاب اسلامی مجلات و نشریات تخصصی نیز در حوزه تاریخ نگاری به وجود آمد که تعداد این نشریات چشمگیر است و هر یک از آن ها با شیوه های خاص خود در عرصه تاریخ نگاری به فعالیت مشغول می باشند.

در دوره انقلاب اسلامی ، انبوهی از اسناد تاریخی در حوزه های مختلف و به شیوه های گوناگون انتشار یافته و در اختیار مردم و محققان قرار گرفته است که رشد تاریخ نگاری دوره انقلاب اسلامی در این زمینه نیز چشمگیر میباشد.

در دوره انقلاب اسلامی خاطره نویسی ، مصاحبه هایی که جنبه های تاریخی دارند ، نگارش رمان (داستان بلند) تاریخی ، سرگذشت نویسی ، زندگینامه نویسی ، تاریخ نگاری محلی و قومی ، تک نگاری ها و... نیز رشد فراوان داشته است .

گر چه تاریخ نگاری در دوره انقلاب اسلامی به طور اعم رشد بسیار چشمگیری داشته است ، ولی در باره نگارش تاریخ انقلاب اسلامی ، واقعیت این است که هنوز به وضعیت مطلوب دست نیافته ایم . البته سخن مذکور به این معنا نیست که در این حوزه ، کارهای کم و کوچکی انجام شده است ، بلکه نویسندگان متعهد و تاریخ نگاران معتقد به انقلاب اسلامی و موسساتی که برای مطالعه و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی به وجود آمده اند ، در این حوزه کارهای گسترده ، مفید و قابل تقدیر انجام داده اند ، ولی همه این کارها ، متناسب با عظمت دوره انقلاب اسلامی و همچنین متناسب با تاکید مکرر امام خمینی درباره نگارش شکوهمندانه تاریخ انقلاب اسلامی نمی باشد و اگر بخواهیم نگارش تاریخ دوره انقلاب اسلامی ، در شان و متناسب با عظمت انقلاب اسلامی و متناسب با دیدگاه و تاکیدات امام خمینی باشد ، هنوز کارهای کمی و کیفی بسیاری در پیش داریم که انجام نشده است .

بزرگان انقلاب نیز بر همین باورند. به عنوان مثال ، آیت الله هاشمی رفسنجانی در مقدمه آخرین کتابش که حاوی خاطراتش در سال 1357 و 1358 است ، چنین می نویسد :

اگر از این فرصت محدود ، برای بیرون کشیدن حقایق تاریخی از سینه مبارزان نسل اول انقلاب و افراد موثر آن استفاده نشود و اقدامی شایسته برای ثبت و ضبط حقایق انقلاب صورت نگیرد ، بیم آن می رود که بخشی از حقایق مهم تاریخ انقلاب مدفون شوند و به جای آن بافته های بی پروا در قلب حقایق و یا خیال بافی های افراد بی اطلاع بنشینند.

هر چند که در این راه گام‌هایی ارزشمند از طرف تاریخ سازان نسل اول انقلاب و جمع زیادی از محققین و اندیشمندان متعهد کشور برداشته شده است، ولیکن در مقابل رویداد عظیم و ماندگار انقلاب اسلامی و قطعاً کارهای برجای مانده، بسیار بیش از اینست که به انجام رسیده است. (10)

گرچه تدوین تاریخ انقلاب اسلامی به خودی خود از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، ولی این نکته که اکنون تاریخ واقعی انقلاب از سوی تحریف‌گران و نویسندگان ضد انقلاب و... در خطر قرار دارد، تدوین تاریخ انقلاب اسلامی را در ابعاد مختلف، ضروری تر می‌نماید. به تعبیر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، اگر تاریخ نگاران متعهد و موسساتی که برای تدوین تاریخ انقلاب تشکیل یافته‌اند، برای ثبت و ضبط و نشر حقایق انقلاب کوشش بیشتری ننمایند، چه بسا بخشی از حقایق انقلاب مدفون شود و خیال بافی‌های افراد بی‌اطلاع و تحریف‌گری‌های دشمنان، جای آن را بگیرد.

اکنون نه تنها در داخل کشور دست‌های فراوانی به کار افتاده‌اند تا حقایق تاریخ انقلاب اسلامی را وارونه جلوه دهند، بلکه دشمنان خارجی و جهان‌استکبار نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم، افراد و سازمان‌هایی را مامور کرده‌اند تا واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی را کاملاً دگرگون و تحریف شده به نسل‌های بعد منتقل نمایند.

بنابراین، تاریخ واقعی انقلاب اسلامی اکنون از جهات مختلف مظلوم است. اول این که در درون انقلاب هنوز به وضعیت مطلوبی در این زمینه دست نیافته‌ایم و نیروهای فرهنگی انقلاب و موسساتی که عهده‌دار تدوین تاریخ انقلاب اسلامی هستند، نتوانسته‌اند کارهایی در حد شان و عظمت انقلاب اسلامی و متناسب با دیدگاه و تاکیدات امام خمینی، به انجام برسانند. وجه دیگر مظلومیت تاریخ انقلاب اسلامی این است که اکنون جمع‌کنیری از مزدوران استعمار و استکبار و ضد انقلابیون و دشمنان قسم‌خورده دین و میهن و انقلاب، در داخل و خارج از کشور سخت مشغول تحریف تاریخ انقلاب اسلامی هستند. تحریف تاریخ انقلاب اسلامی ابعاد گسترده‌ای دارد که در این جا مجال برای فهرست کردن و توضیح دادن آن ابعاد نیست. فقط به یک نمونه اشاره می‌کنیم و آن این است که بعضی افراد و برخی جریان‌ها در صدد هستند، نقش افراد و جریان‌هایی را بسیار بزرگ‌تر از آن چه بوده است، نشان دهند. امام خمینی در همان اوایل انقلاب اسلامی نسبت به این خطر و نسبت به این تحریف هشدار دادند و فرمودند: در پیروزی، طمع‌ها زیاد است. در پیروزی، آمال و آرزوها زیاد است، برای بهره‌برداری و برای ثبت پیروزی در تاریخ به اسم خودشان... آن جبهه‌ها و آن گروه‌هایی که در آن وقت (دوره مبارزه با رژیم پهلوی) مخالفتی نمی‌کردند، بعد از پیروزی در صدد برآمدند هر کدام پیروزی را به خودشان نسبت بدهند... (11)

از وجوه دیگر مظلومیت تاریخ انقلاب اسلامی این است که حتی آن‌هایی که در دوره‌ای، از تاریخ سازان بوده‌اند و زمانی در درون انقلاب جای داشته‌اند، بعد از جدا شدن از انقلاب، به تحریف تاریخ انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این باره می‌نویسد:

نکته دیگر آنکه بسیاری از تاریخ سازان آن دوره، به رحمت خدا پیوسته‌اند، یا شهید شده‌اند و یا به مرگ طبیعی دار دنیا را وداع گفته‌اند. برخی نیز گوشه‌نشینی اختیار کرده و منزوی و بی‌تفاوت شده‌اند و بعضی‌ها هم به صفوف ضد انقلاب پیوسته‌اند.

این دسته آخر که حقایق تاریخ را به گونه ای نادرست می بینند و یا عمدا رویدادهای تاریخی را تحریف می کنند ، به خاطر فراغت و فرصتی که دارند ، بیشتر وقتشان صرف تاریخ نگاری از نوع ضد انقلابی می شود و چون بخشی از آثار آنها به خاطر غیر واقعی بودن ، اجازه انتشار نمی یابد ، با تبلیغ و تحریک رسانه های بیگانه ، نسل جوان را به مطالعه آثارشان برمی انگیزند و طبیعی است که حرص و عطش این نسل کم نیست زیرا که الانسان حریص علی مامع (12)

امید است نویسندگان و تاریخ نگاران متعهد نسل انقلاب و همچنین موسساتی که عهده دار تدوین تاریخ انقلاب اسلامی هستند ، با تلاش و تکاپوی بیشتر ، تاریخ نگاری دوره انقلاب اسلامی را به مرتبه ای برسانند که در شان عظمت انقلاب اسلامی و متناسب با افکار و دیدگاه های بلند امام خمینی باشد. ان شاءالله
مآخذ :

- 1 - صحیفه امام ، جلد ، 14 ص 491.
- 2 - همان ، جلد ، 7 ص 67.
- 3 - همان .
- 4 - صحیفه امام ، جلد ، 14 ص 491
- 5 - همان .
- 6 - صحیفه امام ، جلد ، 18 ص 170.
- 7 - همان ، ص 411.
- 8 - صحیفه امام ، جلد ، 3 ص 434
- 9 - همان ، جلد ، 21 ص 239 و 240
- 10 - انقلاب و پیروزی (کارنامه و خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی ، (ص 20.
- 11 - صحیفه امام ، جلد ، 14 ص 89 و 90
- 12 - انقلاب و پیروزی ، ص 20.

امام خمینی : لازم است برای بیداری نسلهای آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان ، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند ، و قیامها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستانهای مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسلهای آینده شود

امام خمینی : از شما می خواهم هرچه می توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید ، چرا که همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلابها ، عده ای به نوشتن تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند

آیت الله هاشمی رفسنجانی : اگر از این فرصت محدود ، برای بیرون کشیدن حقایق تاریخی از سینه مبارزان نسل اول انقلاب و افراد موثر آن استفاده نشود و اقدامی شایسته برای ثبت و ضبط حقایق انقلاب صورت

نگیرد ، بیم آن می رود که بخشی از حقایق مهم تاریخ انقلاب مدفون شوند و به جای آن بافته های دشمن بی پروا در قلب حقایق و یا خیال بافی های افراد بی اطلاع بنشینند